

|                       |                                                                                    |
|-----------------------|------------------------------------------------------------------------------------|
| شابک                  | ۹-۱۷۲-۳۱۳-۶۰۰-۹۷۸ :                                                                |
| شماره کتابشناسی ملی : | ۳۴۹۲۱۸۱                                                                            |
| عنوان و نام پدیدآور   | : آشنایی غریب: گذری کوتاه بر زندگی معنوی شهید محمود چراغی / نویسنده علیرضا قاسملو. |
| مشخصات نشر            | : تهران: سفیراردهال، ۱۳۹۳.                                                         |
| مشخصات ظاهری          | : ۸۰ص.                                                                             |
| موضوع                 | : چراغی، محمود، ۱۳۵۲-۱۳۸۹.                                                         |
| موضوع                 | : شهیدان--ایران--بازماندگان--خاطرات                                                |
| رده بندی دیویی        | : ۹۵۵/۰۸۴۵۰۹۲ :                                                                    |
| رده بندی کنگره        | : ۱۳۹۳ ق ۴ ج ۱۶۷ DSR                                                               |
| رده بندی شصت و ششم    | : قاسملو، علیرضا، ۱۳۵۲.                                                            |
| وضعیت فهرست نویسی:    | فیا                                                                                |
| تاریخ ثبت             | : ۱۳۹۳/۰۲/۲۷ :                                                                     |

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۳۱۳ - ۱۷۲



تهران: خیابان مفتح، خیابان سمیه، رونه، سفیر اردهال، ملی ایران، ساختمان ۱۱۸، واحد ۴  
 © حق چاپ: ۱۳۹۳، انتشارات سفیر اردهال [www.safirardehal.ir](http://www.safirardehal.ir)

## آشنایی غریب

گذری کوتاه بر زندگی معنوی شهید محمود چراغی

نوبت چاپ: اول

نویسنده: علیرضا قاسملو

لیتوگرافی: نقش سبز - چاپ: عترت - صحافی: تندیس

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

شماره نشر: ۱- ۳۳۵

قیمت: ۳۵۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

## فهرسـت

|    |                                                                    |
|----|--------------------------------------------------------------------|
| ۷  | تنهایی انسان و شهادت                                               |
| ۱۱ | مصادق دوسیم رافعی                                                  |
| ۱۳ | اولین دیدار و شناسایی                                              |
| ۱۶ | معرفی اجمالی آیت الله العظمی بروجردی بهاری همدانی (رحمه الله علیه) |
| ۱۹ | برنامه و اعمال                                                     |
| ۲۴ | سفر به جنوب                                                        |
| ۲۸ | تشکیل صندوق آقا امام عصر (عجل الله تعالی فرجه)                     |
| ۳۵ | برنامه های صبح در حرم آیت ا... شیخ محمد بهائی (قدس سره)            |
| ۳۹ | سفر چهل شب جمعه به قم و مسجد مقدس جمکران                           |
| ۵۷ | برنامه زیارت و توسل به ساحت مقدس امام زادگان                       |
| ۶۰ | ولایت                                                              |
| ۶۳ | شهادت و وصال یار                                                   |
| ۶۷ | سخن آخر                                                            |
| ۷۰ | وصیت نامه شهید                                                     |
| ۷۶ | عکسها                                                              |

این کتاب را با کمال احترام به پدر بزرگوار  
و صبور شهید محمود چراغی و به خانواده  
محترمش، خصوصا «به دو گل یادگار  
مانده از او مهدیه و حنا» تقدیم می کنم.



www.ketab.ir

## تنهایی انسان و شهادت

تنها آفریده می شود و تنها زندگی می کند و تنها از این دنیا خواهد رفت، انسانها هر چه سعی میکنند تنهایی خودشان را فراموش کنند یا به گونه ای زندگی کنند که بخواهند از تنهایی راه از بین ببرند در نهایت باز برمی گردند به تنهایی خودشان. اگر کسی برای تنهایی خودش برنامه ریزی نکرده باشد و با واقعیت این تنهایی درست برخورد نکرده باشد این تنهایی برای او خیلی وحشتناک خواهد بود. ما باید تنهایی خودمان را در این دنیا درک بکنیم تا بتوانیم رفیق و مونس حقیقی خودمان را پیدا کنیم. در ادعیه آمده است: ارحم فی الدنیا عربی، این بیت را در حدیثی که در این کتاب درج شده است، چون رفقایی در این دنیا نداریم و احيانا از نظر اجتماعی و ظاهری غریب هستیم عربی می گویند. ارحم فی الدنیا غریبی، بلکه انسان موجودی است غریب. اینکه در دعا ذکر می شود یا انیس من لا انیس له، یا رفیق من لا رفیق له، یعنی ای انیسی که برای او انیسی نیست و رفیقی که برای او رفیقی نیست. اولیاء الهی این ویژگی انسانی خودشان یعنی تنهایی خودشان را در این دنیا می فهمند و برای آن برنامه ریزی می کنند، ولی دیگران برای این تنهایی خودشان به پوش می گذارند و با دنیا و همراهی دیگران و مردم اطراف خود می خواهند، تنهایی خود را رفع کنند. ولی غافل از اینکه فقط خدای مهربان می تواند این تنهایی انسان را علاج کند. در کتاب درمان تنهایی انسان فقط خدای متعال است، چرا که خود فرموده است: الا بذکر الله تطمئن القلوب. لذا این ندای آسمانی می تواند حقایق ما نسبت به حضرت حق باشد که بگوئیم رفیقی که بغیر از تو رفیقی نیست. اگر کسی موفق شود در این دنیا این خصصت انسانی خودش را درک کند به خدای مهربان پناه می برد و این گونه دعا می کند که اولیاء الهی مرا نصیب می دهند: ای مونس کسی که بغیر از تو مونس ندارد. اگر کسی حقیقت تنهایی خود را درک کند راه برای زندگی خوب برایش باز می شود و به سادگی فریب معیت ها و همراهی های کاذب را در این دنیا راه نخواهد خورد و خدای مهربان در آیات نورانی قرآن کریم در این باره تذکر می دهد و می فرماید: این دنیا، زن و فرزند برای شما جزء زینتی بیش نیست. برای درک مناجات و دعاهاى اولیاء الهی درک این تنهایی به عنوان مقدمه لازم است. گاهی انسان وقتی که خود را مقابل مشکلات می بیند کمی به تنهایی خود پی می برد، شاید راز اینکه انسان هر چقدر به خدای متعال نزدیکتر می شود با مشکلات بزرگتری روبرو می شود درک همین تنهایی و فهمیدن این است که بغیر از خدای متعال پناهگاهی امن برای انسان نیست و این

همان توحید است. معنی حدیث نورانی آقا امام رضا (علیه السلام) که سلسله الذهب نام دارد یعنی بطور متواتر از همه معصومین (علیهم السلام) نقل شده است که فرمود: « لا اله الا اله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی » به این موضوع اشاره دارد.

یکی از مواقعی که انسان تنهایی خودش را بطور کامل درک می کند هنگام جان دادن است. فهم این معنا در لحظه مرگ دیگر فایده ای برای انسان ندارد. اگر کسی قبل از مردن تنهایی خودش را درک کند و با این واقعیت درست برخورد کرده باشد و تنها رفیق خود یعنی حضرت حق را برای خود درک کرده باشد و با او ارتباط برقرار کند برای تنهایی لحظه مرگ آماده می شود و با چهره ای خندان به جایگاه اصلی خود سفر می کند.

درک تنهایی، انسان را از تاثیر پذیری منفی از سوی دیگران که بلایی است فراگیر و هر کسی را می رسد، یعنی به آن گرفتار است حفظ می کند. انسان با کوچکترین تشویق بسوی باطل منحرف می شود و با تحقیر، خودش را خوار می کند و انگیزه زندگی خوب را از دست می دهد. تنهایی ای، بلکه تحقیر و طرد نشود، کارهایی می کند که از اصل خود دور می شود و یا با دیداری ظاهری می خواهد جایگاه خود را در جمع مردم حفظ کند. و این به این دلیل است که پرنده در دایره دگر کرده و نفهمیده، می خواهد تنهایی خود را در جمع دیگران پر کند. اگر کسی در این عالم تنهایی خود را درک کند و تنها رفیقش خدای مهربان باشد می تواند محبت خودش را هر به هر به حقیقت حق افزایش دهد. ما همه خدای مهربان را دوست داریم ولی چون خدای متعال عزیز، تنها رفیق ما نیست این دوست داشتن و محبت با موارد دیگر تقسیم می شود و محبت و دوستی را به خدای منان کم خواهد کرد. خدای مهربان خیلی راحت به شرکای خود میدان می دهد و اگر کسی برای خدای عزیز و متعال در قلب خود شریکی قرار دهد این خدای متعال است که کنار خواهد کشید و همه را به شریک خود خواهد داد. او باید قلب را برای خودش تنهایی می بیند تا در او جای بگیرد و تمام قلب انسان را با محبت و دوستی خود پر خواهد کرد و محبت و دوستی در قلب ما نسبت به خدای مهربان به اوج می رسد که با درک تنهایی خود یعنی وجود پاک مقدس ذات احدی به کسی پناه نبریم و غیر از او دوست و رفیقی نگیریم. با دوستی او دوست باشیم و به اولیاء او محبت ورزیم و معاشرت کنیم و با محبین و عاشقان او دوست باشیم تا خود نیز جزء آنان باشیم. خیلی مهم است تا قبل از مرگ این حقیقت را درک کنیم و برای اعمال عبادی و دستورات دینی و شب های مناجاتی خود این تنهایی را بفهمیم. انسان اراده باید این تنهایی خودش را بفهمد و درباره تنهایی خودش چاره ای اندیشیده باشد. حال سوال این است که هر کس برای این تنهایی خود باید چکار کند؟ دستورات، روایات و احادیث نورانی رسیده از اهل بیت (علیهم السلام) که مفسران واقعی کتاب انسان ساز، قرآن کریم هستند و عمل کردن به آنها تا حد وسع خود، اصلی است که در رسیدن به این حقیقت باید مدنظر

قرار گیرد. اگر در بین این دستورات نورانی آنقدر به نماز شب اهمیت داده اند چون در لحظه های تاریکی شب با تنهایی خودش در محضر حضرت دوست است و در نیمه های شب می تواند به تنهایی خودش، قدرت و قوت بخشد و با استمرار بر نماز شب، به انسانی قدرتمند و نیرومند در صقابل همه مشکلات و مصایب تبدیل شود. قدرتمندترین انسان کسی نیست که در جامعه جماعتی در پی او و همراه او باشند، بلکه قدرتمندترین انسان کسی است که تنها در آغوش محبت حضرت دوست باشد، اینجاست که چون شمع می سوزد و دیگران پروانه ها را با عشق خدایی در اطراف او هستند. الهی من لی غیرک اشاره و درک این حقیقت است. لحظه های دعا و نماز و ارتباط با خدای مهربان مخصوصا در نیمه های شب در رسیدن به این معنی بسیار چاره ساز است. در همین ارتباط روحی با خدای مهربان است که خصلتهای نورانی و روحانی در انسان آشکار می شود، همان خصلتهای نیکویی که در روح نورانی و الهی او پتانسیت گماشته شده است. همانند چراغی که تا به مبداء و مخزن خود وصل نشود روشن نمی شود. انسان در سایه مناجات با حق و حقیقت به دوستان واقعی خود یعنی اولیاء و رصیدان خودستاران خدای متعال دست پیدا می کند و با وجود آنها به آغوش گرم و محبت بی انت می رسد.<sup>۱</sup>

شهیدان کسانی هستند که به این حقیقت دست یافتند و با درک تنهایی خود توانستند به لقاء الهی برسند. آنها با درک معنی این معنی با خدای عزیز خود عهد بستند و با اهداء جان خود در راه او به خود او رسیدند. شمع های تنهایی خود را با مناجات و زمزمه عاشقانه، خدای منان را جستند و با نظر به وجه و جمال الهی مستانه خود به رزق و روزی دایم خود رسیدند. اینان زندگی را زیبا دیدند، زیبا شدند و رفتند. شهیدان با تقدیم گرانبهاترین دارایی خود یعنی جان، در راه حضرت احدیت با خون رنگین و آغشته به عشق و ایمان به سرچشمه خوبیها و سعادت یعنی معبود یکتای خود، به حیات دیگران و دنیای دوباره می دهند.

به قول شهید سید مرتضی آوینی: شهادت پایان نیست تولد دیگری است در جهانی فراتر از آنکه عقل زمینی به ساحت قدس آن راه یابد. تولد ستاره ای است که نورش عرصه زمان را در می نوردد و زمین را به نور رب الارباب، اشراق می بخشد. شهیدان و اصحاب آخرالزمانی اباعبدالله الحسین (علیه السلام) هستند و پیام آنها عشق است و وفاداری، چون این چنین استه یاد و راه آنها همیشه پایدار می ماند.

شهادت به اوج انسانیت رسیدن است. شهید در اوج تنهایی خود و رسیدن به معبود به تنهایی دیگران هم می اندیشد و با پیام عشق و وفاداری خود می خواهد همه را هدایت کند. بخاطر همین می بینیم با حق، اسلام، قرآن و ولایت تا پای جان خود می ایستد تا چراغ راه دیگران باشد. نهایت این عشق و فداکاری در صحنه کربلا توسط یاران واقعی حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) به نمایش گذاشته شد و تا تاریخ زنده است همه به تماشای این

صحنه مملو به انوار الهی، مشغولند و هرکس از این اقیانوس کرامت جرعه ای بنوشد، راه به حقیقت پیدا خواهد کرد. برای همین مساله است که ائمه معصومین (علیهم السلام)، همیشه عاشورا و کربلا را در تمام لحظه ها برای شیعیان خود یادآوری می کنند تا هرکس درسی گرفته باشد. به این دلیل تمام شهدا عاشق کربلا هستند چون هفتادیشان خالق صحرای نینواست.

آخر کلام، سخن یکی از این عاشوراییان را می آورم که با پیدا کردن حقیقت خود در تنهایی خودش، به اوج رسید و مابقی سخن را به اهل خود وامی گذارم. شهید آوینی در یکی از نوشته های خود آورده است:

شهدا عاشق کربلا بودند، کربلا را نباید شهری بدانیم در بین شهرها و نامی در میان نامها، کربلا عشق است و هیچ کس را از طریق یاران کربلا راهی به حقیقت نیست، ای کربلا! ما را نیز تمام پناهمان در خیل کربلاییان بپذیر، می آییم تا بر خاک تو بوسه زنیم. کربلا محلی است که پر از عشق و یارانش، روشنایی و نورانی از خود بر جای گذاشت که در آن نورانیت خداوند متعال دید می شود و فهمیده می شود و درک می شود. شهدا اقتدا به کربلا کردند و به حقیقت راه رسیدند. آنجا که حضرت ابا عبدالمحسن (علیه السلام) سفینه نجات است از تمامی ظلمات، از تمامی گمراهیها و گمراهی برای تمام کسانی که راه عشق را می جویند. ای شهداء کدامین مناجات و راز و نیاز ادا کنند که این چنین لایق همجواری با کربلاییان شدید، کدامین راه را، با کدامین کوله بار، طی گردید که کربلا منتهی شد.

حال در این کتاب قصد دارم یکی از کربلاییان را که خداوند متعال و مهربان توفیق همجواریش را در این دنیا به این حقیر عنایت فرموده بود، معرفی نمایم. سلوک و طریق زندگیش در عین سادگی آغشته به اهداف عالی و نجات الهی بود امیدوارم که این نوشته ها بتواند برای اقشار مختلف جامعه و جوانان عزیز مفید باشد.

در زندگی شهدا که دقت کنیم می بینیم دارای خصلتها و صفاتی هستند که آنها را بسوی شهادت سوق می دهد و این خصلتها در هر یک به گونه ای رخ می دهد، ولی عشق و وفاداری و دوست داشتن دیگران در همه موج می زند. این خصلت در حیات خود مخفی و پنهانند ولی بعد از کوچ تا حدی شناخته می شوند. باشد که ما را از این خصلت خبر خود محروم نسازند.

۱- برگرفته از سخنان استاد پناهیان

علیرضا قاسملو

پاییز ۱۳۹۰ - همدان